

- منصور امان

برآمدن جنبش کارگری پس از سه دهه سرکوب و سیاستهای بازدارنده، تنها بیانگر شرایط نابسامان صنفی و معیشتی که زندگی میلیونها کارورز را در چنبره ی نیستی آفرین خود می فشارد و اعتراض بدان را - با وجود قهر عریان حکومت - اجتناب ناپذیر نموده، نیست. شتافتن به رویارویی با ادبار روزانه و بی حقوقی تسلسل واری که در انتها تبدیل تولید کنندگان ثروت به برده های امپراتوریهای مالی و قدرت سیاسی را هدف گرفته، گزینشی حیاتی ست که سلاح سرکوب و زنجیر قوانین بر فرآیند شکل گیری آن، تأثیر ناچیزی می تواند داشته باشند. سیل کارگرانی که در این شهر بزرگ و آن شهرستان کوچک، کارخانه و کارگاه را پشت سر می گذارند تا به خیابان سرازیر شوند و سایه های سنگین بر شانه های کار و زندگی و پنهان شده در حجره ها و برجها را به چالش بگیرند، طنین گرفتن فشار مهارناپذیر شرایطی است که صف نخستین هجوم یافتگان را به جلو رانده است. گویه ی بدآهنگ ستم طبقاتی و نموده های اغراق یافته آن تحت نظم پیش سرمایه داری جمهوری اسلامی، ترجمان اجتماعی خویش را به گونه فزاینده ای در اعتراضات و اعتصابات کارگری یافته است.

همزمان با گسترش مقاومت متحد سرنوشتیهای مشترک در برابر آنچه که حکومت به عنوان تقدیر فلاکت زای جداگانه نگاشته، اندیشه به کارساز نمودن اعتراض آشکار و جستجو برای یافتن شیوه هایی که مبارزه را به نتایج ملموس رهنمون می گردد، جایگاهی هرچه مهمتر در چرخه ی آغازین شکل گیری اعتصابات پیدا می کند. اکنون پیشروترین قشر طبقه کارگر با صدای بلند به این روشها و بیش از همه به تشکل یابی در برابر ستم سازمان یافته می اندیشد.

نامه ی سرگشاده نمایندگان کارگران نفت که خطاب به کارشناسان سازمان بین المللی کار نگاشته شده است، با طرح مطالبه برگزاری مجمع عمومی برای تشکیل اتحادیه های مستقل، بازتاب روشنی از این نیاز مبارزاتی و درک بدون سوء تفاهم از آن است. نمایندگان مزبور، با اشاره به ضرورت حذف موانع قانونی که حکومت برسر راه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری نهاده است، به درستی نخستین آماج تلاش خود برای سازمان یابی و بیان متشکل مطالبات را تعیین نموده اند.

هوشیاری آنان در خطاب قرار دادن سازمان بین المللی کار، جمهوری اسلامی را که هنوز مزه موفقیت در قلم خوردن نام خویش از لیست سیاه این سازمان را به خوبی نچشیده است، با یک آزمون و موقعیت دشوار روبرو می سازد. هنگامی که نمایندگان حکومت ملاحظا در کنفرانس سالانه این ارگان بین المللی، به منظور گریز از انتقادات نسبت به عدم رعایت مفاد پیمانهای آن، پیشنهاد نمودند که سازمان یاد شده نمایندگانی را به ایران گسیل داشته و حتی به آنها مشاوره بدهد، هرگز گمان نمی بردند این تدبیر خنثی سازنده، چگونه قادر است توسط کارگران علیه مجموعه ی دستگاه ضدکارگری حکومت به کار گرفته شود. نازک اندیشان جمهوری اسلامی، آشنایی با واقعیتها و پیشرفتهای حکومت در پهنه مسایل کارگری که به گفته آنان توسط گزارشات سازمانهای مخالف مخدوش گردیده بود را وعده داده بودند. و اینک می بایست شاهد آن باشند که

کارگران پیشرو، بخشی از وظیفه آشنایی فرستادگان سازمان بین المللی کار با شرایط وخامت باری که حکومت پدید آورده است را خود مستقلا به عهده بگیرند.

کوششهای وزارت کار و دست نشاندگان آن در مراکز کارگری، وقتی برباد رفته چهره می نماید که نمایندگان کارگران نفت، دو تشکل به ظاهر کارگری که به مثابه اسناد بی گفتگوی وجود مجامع کارورزان به کارشناسان اعزامی معرفی شده اند را زیر ذره بین می گذارند. آنان نشان می دهند که چگونه کلوپ صاحبان مطبوعات و وسایل نقلیه سنگین، به عنوان تشکلات مستقل کارگری وانمود گردیده و ترکیب سیاسی اداره کنندگان آنها به چه میزان ژرفای نازل استقلال ادعایی را آشکار می نماید.

صرف نظر از چگونگی واکنش سازمان بین المللی کار به حقایق و مطالبات طرح گردیده در این نامه و همچنین برخورد طراحان و مجریان سیاستهای ضدکارگری حکومت، جنبش کارگری از زبان بخش پیشرو خود، اراده خویش برای دخالت و تأثیرگذاری فعال بر گستره هایی که کار و زندگی را در بر می گیرد، اعلام نموده است. کارگران به سمت فراهم آوردن پیش شرطهای ساختاری که تنها با تأمین آنها، دگرگونی در شرایط کنونی در دسترس قرار می گیرد، به حرکت درآمده اند. برگزاری مجمع عمومی و برپایی اتحادیه فقط گام نخست در این مسیر است.